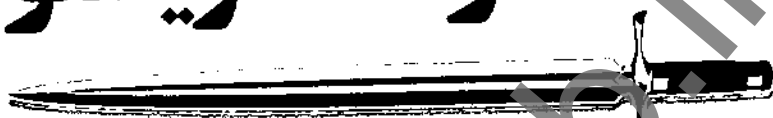


کنت مونت کریستو



آلکساندر دوما

ترجمہ: محمد طاہر قاجار

جلد [۱]

سرشناسه	دوما، الکساندر، ۱۸۰۲ - ۱۸۷۰ م.
	Dumas, Alexander
عنوان و نام پدیدآور	کنت منت کریستو / نویسنده الکساندر دوما؛ ترجمه محمد ظاهر میرزا اسکندری (قاجار).
مشخصات نشر	تهران، سمیر، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	ج. ۲.
شابک	دوره: 978-964-220-011-5 ج. ۱: 978-964-8940-84-8 ج. ۲: 978-964-220-009-2
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: I.e come of monte-cristo به فارسی ترجمه شده است.
یادداشت	کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	داستانهای فرانسه - قرن ۱۹ م.
شناسه افزودنی	محمد ظاهر، قاجار، ۱۲۵۰ - ۱۳۱۷ ق. مترجم.
رده‌بندی کنگرد	الف ۱۳۸۷ کی ۹ PQ۲۲۵۴
رده‌بندی دیویی	۸۴۳/۸
شماره کتابشناسی ملی	۱۴۰۳۳۱۰



انتشارات سمیر



ناشر: انتشارات سمیر

ناشر همکار: گوتنبرگ

عنوان: کنت مونت کریستو (جلد اول)

اثر: الکساندر دوما

ترجمه: میرزا طاهر قاجار

ویراستار: کیومرث پارسای

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: تاجیک

شابک جلد ۱: ۸۴ - ۸۴۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شابک دوره: ۵-۱۱-۰۰۱-۲۲۰-۹۷۸-۹۶۴

انتشارات سمیر، خیابان اردبیه‌ست، کوچه وحید، پلاک ۳، واحد ۴، تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۶۶۹۶۰۶۰۳

انتشارات گوتنبرگ، خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران - پلاک ۱۳۴۶

تلفکس: ۶۶۴۶۵۶۴۰ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۹۸-۶۶۴۰۲۵۷۹

www.samirpublication.com

دوره ۳ جلدی: ۴۵۰۰ تومان

حاشیه‌ای بر متن

مترجم این کتاب، محمدطاهر میرزا، فرزند اسکندر میرزا و نوه عباس میرزا است که در سال ۱۲۴۵ قمری در تبریز متولد شده و طبق معمول زمان، نزد معلمان سرخانه تحصیل کرده بود و بعد، با علاقه‌ای که به علم‌اندوزی داشت، به تحصیل ادبیات فارسی و عربی، ققه، ریاضی، الهیات، طبیعیات و غیره پرداخت و با مطالعه شخصی به تکمیل دانسته‌هایش پرداخت. وی زبان فرانسوی را نزد شخصی به نام آنتوان که گویا از ارامنه ساکن ایران بوده و مدت‌ها در فرانسه اقامت داشت، فراگرفت و به دلیل علاقه فراوانش به فراگیری آن زبان، به وسیله قرائت و ترجمه متون فرانسوی کوشید تا مهارت خود در ترجمه از زبان فرانسوی را تکمیل کند.

اهمیت کار محمدطاهر میرزا، که اولین مترجم فرانسوی به فارسی در ایران محسوب می‌شود، آن است که وقتی روابط ممالک شرقی، مخصوصاً ایران با ممالک اروپایی و بخصوص فرانسه در مرحله‌ای ابتدایی بود و کم‌تر کسی به زبان‌های خارجی آشنایی داشت، اقدام به ترجمه متون فرانسوی به فارسی کرد و امتیاز کارش بر کار دیگر مترجمانی که هم‌زمان با او به ترجمه متون از زبان‌های دیگر اشتغال داشتند، در آن است که ترجمه‌های سایر مترجمان بسیار پُر تکلف بود، در حالی که او کتاب‌هایی چون این کتاب و همچنین سه تفنگدار را که از آثار برجسته الکساندر دوما محسوب می‌شود، به شیواترین شیوه ممکن و با عباراتی نسبتاً روان به فارسی برگردانده. به طوری که برای عموم قابل فهم و سیرین جلوه می‌کند. افزون بر این، او که قسمت اعظم عمرش را صرف مطالعه، ترجمه، تألیف و تصنیف کرد، نقش زیادی در آشناساختن فارسی‌زبان‌ها با علوم، افکار و ادبیات، مخصوصاً کتاب‌های فرانسوی داشت و به سهم خود، فصل جدیدی را در ادبیات فارسی گشود.

او که در نیمه اول عمر خود، به بعضی مشاغل دیوانی، از جمله حکومت بر قسمت‌های مختلف آذربایجان و بعدها (پس از آمدن به تهران) ریاست تشریفات و معاونت وزارت امور خارجه اشتغال داشت، از مجال محدودی برای ترجمه آثار ادبی برخوردار بود و کتاب‌هایی را

که در آن دوره ترجمه کرد؛ بیشتر جنبه علمی دارد، اما پس از کناره گیری از مشاغل دولتی و از آن جا که فرصت بیشتری برای مطالعه و ترجمه پیدا کرد، تا بعدها که رسماً مأمور ترجمه کتاب های فرانسوی شد، عمدتاً به ترجمه متون ادبی اشتغال داشت و این کار را تا پایان عمر خود ادامه داد.

به طوری که گفته می شود میرزا طاهر کتب متعددی را تألیف یا ترجمه کرده بود که متأسفانه از اکثر آن ها اطلاع یا اثری موجود نیست و تنها از آثاری که نسخه ای از آن در بین کتاب های کتابخانه خودش وجود داشته اطلاع داریم و این، به آن جهت است که در زمان قاجاریه متون کتاب هایی که ترجمه می شد، در اختیار کتابخانه سلطنتی قرار می گرفت و از دسترس عموم خارج بود. به اضافه این که چون اغلب مترجمان از سر تواضع نام خود را بر روی اثرشان نمی گذاشتند اگر هم اثری از او جزو مجموعه کتب خطی کتابخانه سلطنتی وجود داشته باشد، به صراحت نمی توان گفت کدامیک از آن ها توسط میرزا طاهر ترجمه یا تألیف شده است. مگر این که با بررسی یکی دو اثری که ترجمه آن ها توسط میرزا طاهر محرز است، کلیه کتب مجموعه سلطنتی مورد ارزیابی قرار گیرد و برحسب انشاء میرزا طاهر و تکیه کلام ها و تأکیدهای خاصی که او داشته، بقیه آثارش شناسایی شود.

مرحوم محمد طاهر میرزا که زندگینامه اش گواهی می کند در علوم قدیمه صاحب اطلاع بوده و غالباً به مطالعه این قبیل کتابها اشتیاق داشته، با دانشمندان زمان خود، از جمله زنده یادها سید ریحان الله مجتهد و مرحوم میرزای جلوه مجالس بحث داشته، به علوم جدید نیز علاقه مند بوده و مؤید ادعا آن که در کتابخانه اش علاوه بر کتب فارسی و عربی و نسخ خطی، تعداد زیادی کتب علمی و ادبی به زبان فرانسوی وجود داشت که اکثر آن ها را مطالعه و حاشیه نویسی کرده یا به ترجمه بعضی از آن ها پرداخته بود و معروف است که در زمینه علوم جدید تألیفاتی نیز داشت و حتی به سبک رمان های فرانسوی رمان هایی نوشته بود که اگر روزی آن آثار شناسایی شود، منزلت ادبی او، به پایه منزلت محمد باقر خسروری (نویسنده شمس و طغری) و موسی نثری همدانی (نویسنده زندگی سگفت انگیز کورش) خواهد رسید. او، به گونه ای که فرزندش منوچهر اسکندری گفته است، در اواخر عمر به واسطه ضعف شدید قدرت بینایی و پس از آن نابینایی، منزوی شد و در سال ۱۳۱۷ قمری، هنگامی که به ۷۲ سالگی رسیده بود، بر اثر عارضه ایست قلبی در تهران بدرود زندگانی گفت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

کیومرث پارسای